

در حالی که ترامپ در کارزار انتخاباتی خود از پرهیز از جنگ های بی پایان سخن می گفت اما در مقام عمل، راهبردی متفاوت را اتخاذ و به صورت رسمی به یمن حمله کرد

صلح در کلام، جنگ در عمل



والترز، مشاور امنیت ملی آمریکا:ایران باید به وضوح پیام رئیس جمهور را درک کند و آمریکا ممکن است دارایی‌های ایران را که در ارتباط با حمایت از حوثی‌ها باشد هدف قرار دهد!

گزاره است که ایران باید از حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه دست بردارد، در غیر این صورت باید انتظار بر خوردهای شدیدتر ادا داشته باشد. اما در طرف مقابل، واکنش ایران و به‌ویژه اظهارات سرلشکر حسین سلامی، نشان‌داد که تهران نه‌تنها

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، همواره بر سیاست‌های «ورود نکردن به جنگ» و «صلح‌طلبی» تأکید می‌کرد اما نخستین حمله نظامی رسمی دولت او نشان داد که این مواضع بیش از آن که به یک راهبرد پایدار تبدیل شوند، ابزاری برای پیشبرد تاکتیک‌های دیپلماتیک و فشرده‌سازی فشار بر رقیبا هستند. در حالی که ترامپ در نامه‌ای به ایران بر ضرورت دیپلماسی و رفع سوءتفاهمات تأکید داشت، حمله نظامی آمریکا در منطقه و به‌خصوص اتهام‌زنی به ایران نشان داد که او در حال اجرای یک سناریوی دووجهی است: از یک سو، نمایش یک رهبر مقتدر که آماده استفاده از نیروی نظامی است و از سوی دیگر، باز گذاشتن راه گفت‌وگو به عنوان گزینه‌ای برای مدیریت بحران.

عملیات نظامی؛ ابزار فشار در دیپلماسی حمله نظامی آمریکا در دوره ترامپ نه‌صرفاً یک اقدام نظامی، بلکه بخشی از یک پازل بزرگ‌تر در سیاست خارجی او بود. با وجود ادعاهای واشنگتن مبنی بر مبارزه با تهدیدات امنیتی، واقعیت این است که هدف از این حملات، بیش از آن که تأمین امنیت در یانوردی باشد، از سال پیام‌های هشدارآمیز به تهران و افزایش فشارها برای امتیازگیری در مذاکرات آتانی بوده است. اظهارات ترامپ و مقامات ارشد دولتش نشان‌دهنده تلاش برای القای این

داستان حامد کاشانی برای اسماعیل رمضانی تکرار شد؟

حذف حجت الاسلام رمضانی از برنامه‌های سحرگاهی سیما حاوی چه پیامی از سوی مدیران صدا و سیماست؟

انتخاب کارشناس و تأثیرگذاری مطالب و محتوای آن بر مخاطب، امری ارزشمند و در نوع خود اتفاقی مهم است. چرا که در سال‌های اخیر کمتر کارشناسی توانسته است حلقه وصل میان مخاطبان و یک برنامه تلویزیونی باشد. در نخستین روزهای پخش برنامه «ماه من» از شبکه سه، حضور حامد کاشانی موجب شد تا این برنامه در همان دوره ابتدایی در کانون توجه قرار گیرد. مباحث تاریخی او درباره امیرالمؤمنین علیه السلام به‌ویژه، در نوع خود بی نظیر بود. سخنان حجت‌الاسلام حسینی قمی در برنامه «سمت خدا» و «درس‌هایی از قرآن» حجت‌الاسلام محسن قرائتی از جمله کارهای ارزشمند و قابل توجه سازمان صدا و سیما محسوب می‌شود. با این حال، انتخاب کارشناسان و استفاده از آن‌ها در تلویزیون همواره موضوعی قابل بحث و نقد از سوی مخاطبان و اهل فن بوده است. امسال نیز در میان برنامه‌های سحرگاهی تلویزیون، حضور حجت‌الاسلام اسماعیل رمضانی یادآور روزهای پر مخاطب «ماه من» با حضور حامد کاشانی بود. او در طول ۱۵ روز سحر، موضوع مهجوریت قرآن را در شبکه دوسیمامطرح کرد که البته واواکنش‌هایی نیز همراه شد. به‌ویژه زمانی که به موضوعات حساسی

مسعود پزشکیان در نشستی با وزیر و مدیران وزارت صمت مطرح کرد

می‌خواهیم برق را جایگزین سوخت فسیلی کنیم

هادی محمدی –مسعود پزشکیان صبح دیروز در نشستی با وزیر و مدیران وزارت صنعت، معدن و تجارت، ضمن تبریک سالروز ولادت امام حسن مجتبی (ع) و آرزوی قبولی طاعات و عبادات و نیز قدردانی از همه تلاش‌ها و اقدامات مسئولان و کارکنان وزارت صمت، با بیان این که باتوجه به ناترازی انرژی، شخصا بر روی موضوع توسعه زیرساخت‌های تولید برق از محل منابع تجدیدپذیر و پاک‌تر کم‌کرده‌ام، افزود: برنامه ما این است که با توجه به سطح بالای بر خور داری از تابش خورشید در کشور، باتوسعه نیروگاه‌های خورشیدی، در صورت امکان و وجود صرفه اقتصادی، به‌طور کلی انرژی برق را جایگزین سوخت‌های فسیلی

کنیم و نفت و گاز را در عرصه‌های دیگری که ارزش افزوده بالاتری دارند، استفاده کنیم. برای این منظور از شما می‌خواهم که درباره اصل این موضوع و بهترین راهکارهای اجرای آن نظر کارشناسی بدهید. رئیس‌جمهور با اشاره به این که محور اصلی بررسی و اجرای این برنامه، ارزیابی دقیق صرفه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی آن است، گفت: در حال حاضر مصرف گاز برای بسیاری از عرصه‌های ما از حمل و نقل گرفته تا خانگی و صنعتی صرفه دارد، اما این صرفه ناشی از فروش گاز ارزان است و معلوم نیست اگر بخواهیم گاز را به قیمت واقعی و جهانی آن عرضه کنیم، باز هم این صرفه پابرجا باشد؛

از فعالان رسانه‌ای و سیاسی، نامه‌ای که ترامپ به ایران ارسال کرد، اگرچه از نظر لحن و محتوای دیپلماتیک از تهدیدات آشکار فاصله گرفته، اما همچنان در بر دارنده عناصر فشار و پیش‌شرط‌هایی برای تعامل است. تحلیل این نامه نشان می‌دهد که ترامپ در پی فرار از چارچوب‌های سنتی دیپلماسی بوده و سعی کرده با نوعی ادبیات شخصی و غیررسمی، مستقیم‌پیام خود را به مقامات ایرانی منتقل کند. در این نامه، او به‌طور ضمنی به شکاف‌های داخلی در واشنگتن اشاره و تلاش کرده خود را تنها تصمیم‌گیرنده نهایی معرفی کند؛ مسئله‌ای که نشان‌دهنده سبک مدیریتی فردمحور اوست. با این حال، همان‌طور که در تحلیل‌هامطرح شده، این نامه همچنان شامل نوعی تهدید پنهان است و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک گام صادقانه در راستای کاهش تنش‌ها تغییر کرد بلکه باید آن را در امتداد همان استراتژی کلی ترامپ دید که همزمان از «چماق و هویج» در روابط بین الملل استفاده می‌کند.

واکنش تهران؛ سیاست بازدارندگی فعال ایران در مواجهه با این تحولات، سیاست بازدارندگی فعال را در پیش گرفته است. فرمانده کل سپاه پاسداران، در پاسخ به ادعاهای آمریکا، به صراحت تأکید کرد که ایران در امور داخلی یمن دخالت نمی‌کند و انصارا... یمن را یک نیروی مستقل و



نشان می‌دهد که «هیچ‌گونه تغییر یا حذف در کار نبوده و حجت‌الاسلام اسماعیل رمضانی همچنان با شبکه دو و صدا و سیما همکاری خواهد داشت. به‌طور مشابه، در برنامه‌های «حسینیه بهشت» و «کوی محبت» این اتفاق افتاده و آیتم‌های کوتاهی از او که در مسجد سهله تولید شده‌اند، در روزهای آینده

خودمختار معرفی کرد. این واکنش، علاوه بر آن که به‌عنوان یک پاسخ دیپلماتیک مطرح شد، حامل این پیام بود که تهران همچنان در برابر سیاست‌های فشار آمریکا، بر اصول خود پایبند خواهد ماند. از سوی دیگر، ادبیات فرماندهان نظامی ایران نشان داد که ایران خود را در موقعیتی نمی‌بیند که مجبور به واکنش شتاب‌زده شود، بلکه برعکس، با اتخاذ یک استراتژی مبتنی بر بازدارندگی، سعی دارد واشنگتن را از ورود به یک رویارویی مستقیم منصرف کند.

بازی چندلایه واشنگتن

سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال ایران، ترکیبی از اقدامات متناقض بود که در نهایت به کاهش شدید اعتماد میان دو کشور انجامید. از یک سو، ترامپ بار سال نامه‌هایی به تهران، به دنبال بازکردن مسیر مذاکره و تعامل بود، اما از سوی دیگر، با حملات نظامی و تهدیدات آشکار، به دنبال افزایش فشار و تحمیل شرایط مطلوب خود بود. این استراتژی دوگانه، اگرچه در نگاه اول می‌توانست فضای دیپلماسی را باز نگه‌دارد، اما در عمل، نتیجه‌ای معکوس داشت و باعث شد که ایران نه‌تنها در برابر تهدیدات تسلیم نشود، بلکه با تأکید بر سیاست‌های مستقل منطقه‌ای خود، فشارهای آمریکا را اثر سازد.

در برنامه «سحر نشینی» پخش خواهند شد. «اما بهتر است مدیران شبکه برای این که به این شائبه‌ها پایان دهند از کارشناس جدید بخواهند موضوع مباحث حجت الاسلام رمضانی را در سحرگاه‌های آتی ادامه دهند. پیشتر، درباره تغییر حامد کاشانی نیز بحث تنوع کارشناسان مطرح شده بود که امری طبیعی است. اما در این مورد، شبهه‌ای پر رنگ تر به وجود آمده که مجری برنامه در آغاز گفت‌وگوهای حجت‌الاسلام اسماعیل رمضانی هیچ‌گاه اشاره نکرد که قرار است ۱۵ روز متوالی این کارشناس در برنامه حضور داشته باشد و ممکن است فشارهای ناشی از طرح برخی مباحث در زمینه حکمرانی و مهجوریت قرآن، عامل این تغییرات باشد. گفتنی است، مهدی اعرابی، مجری برنامه، در سحرپانزدهم ماه مبارک رمضان به پایان گفت‌وگوهای این برنامه باحضور حجت‌الاسلام اسماعیل رمضانی اشاره کرد و از حضور حجت‌الاسلام قنبریان در ۱۵ سحر آینده خبر داد. برنامه «سحر نشینی» شبکه دو با اجرای فرزاد جمشیدی و مهدی اعرابی به‌طور مستقیم از صحن حرم امام علی (ع) روی آنتن می‌رود.

دستاوردهای نوین در این عرصه و توجه جدی به گسترش حمل و نقل ریلی به عنوان گزینه‌ای امن، به صرفه و دوستدار محیط زیست است. همچنین باید سیستم‌های گرمایشی منازل نیز با وسایل کم‌مصرف و پربازده جدید جایگزین شوند.

دکتر پزشکیان از همه مسئولان در دستگاه‌های مختلف خواست تا از تاخیر و توقف طرح‌ها و برنامه‌های تحولی در این عرصه در ساز و کارهای اداری به‌طور جدی جلوگیری کنند و خاطر نشان کرد: باید با کمک کارشناسان یک نقشه راه جامع و دقیق در این زمینه داشته باشیم که جایگاه این اقدامات را در کشور مان، در منطقه و در عرصه جهانی ترسیم کرده و برنامه زمانی دقیقی نیز تعیین کند. البته این نقشه و سند باید با بهره‌گیری موثر از نظرات صاحبان فرایند در هر بخشی تدوین شود، چرا که اولا آن‌ها به اقتضائات، ظرفیت‌ها، نقاط قوت و ضعف و مشکلات و موانع مسیر پیش‌رو بهتر از هر کس دیگر واقف هستند و ثانیاً آن‌ها هستند که باید این برنامه را اجرا کنند، لذا بهتر از افراد بیرون از مجموعه می‌توانند آن را طراحی و تدوین کنند. امروز در کشور بی‌شمار سند تدوین شده داریم که معطوف به اجرا اتدوین نشده‌اند.

اخبار



شاهد بنی اسدی
info@khorasannews.com

رادیکال ها و الگوی «بازتولید بحران»

در ماه‌های اخیر، تصمیم‌شورای عالی امنیت ملی در باره تعلیق موقت اجرای قانون حجاب، با واکنش‌های تند برخی گروه‌های رادیکال مواجه شده است. این نیروها، به‌جای همراهی با سیاستی که برای کاستن از تنش و بازنگری در رویکرد فرهنگی اتخاذ شده، تجمعات غیرقانونی برپا کرده و عملاً مصوبه نهاد بالادستی کشور را به چالش کشیده‌اند. بررسی رفتار گروه‌های رادیکال نشان می‌دهد که آنان از الگوی «بازتولید بحران» به‌عنوان ساز و کاری برای ادامه حیات سیاسی خود بهره می‌برند؛ الگویی که در آن حتی موفقیت ظاهری در تحمیل یک خواسته، پایان ماجرا نخواهد بود و در صورت فروکش کردن التهاب، به‌سمت ساختن یابر جسته‌کردن بحرانی تازه خواهند رفت. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، گروه‌های تندرو یا رادیکال عموماً در فضای قطب‌بندی شده و ملتهب به شکل بهتری می‌توانند تجمیع نیرو کنند و در عرصه قدرت باقی بمانند و نقش آفرینی بیشتری داشته باشند. بنابرین، هنگامی که نهادهای رسمی کشور تلاش می‌کنند با تصمیماتی همچون تعلیق اجرای قانون حجاب، از ایجاد تنش‌های جدید در جامعه آن‌هم در میانه مواجهه کشور با سخت‌ترین فشارهای سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی جلوگیری کنند، این جریان‌ها با برگزاری تجمعات تحریک‌آمیز و ایرادات اتهامات تند و شدید علیه مسئولان قوای سه‌گانه و نهادهای بالادستی، دوباره سطح تنش را بالا می‌برند و فضای کشور را در این وضعیت حساس به حاشیه می‌کشانند. در واقع آنان در عمل نشان می‌دهند که از «بحران» به‌عنوان ابزاری برای حفظ جایگاه خویش سود می‌برند و هرگونه آرمش یا رویکرد تعاملی را تهدیدی برای هویت سیاسی خود قلمداد می‌کنند. جالب آن که حتی در صورت پیروزی تندروها در خواسته‌شان، همان مکانیزم بحران‌زی دوباره به کار خواهد افتاد؛ چرا که با تثبیت یک قانون و کاهش انگیزه‌های اعتراضی، توجه افکار عمومی و رسانه‌ها به این گروه‌ها نیز فروکش می‌کند. در این وضعیت، برای اجتناب از حاشیه‌نشینی، باید منازعه و التهاب جدیدی دست‌وپا کنند تا فضای سیاسی کشور را در اختیار خودشان نگه‌دارند. از همین رو، می‌توان این گروه‌ها را «نیروهای بحران‌زی» نامید که نیازمند تداوم چرخه تنش هستند تا بتوانند تقابل میان «خود» و «دیگری» را بر جسته سازند و برای هواداران نشان نقش حامی ارزش‌ها را بازی کنند. در این میان، آسیب اصلی متوجه جامعه و سرمایه اجتماعی آن است. شکاف‌های عمیق، بی‌اعتمادی به تصمیم‌گیران کلان و فرسایش تعامل سازنده، پیامدهای اجتناب‌ناپذیر این چرخه بحران‌سازی محسوب می‌شوند. با افزایش تنش‌های غیرضروری و برهم‌زدن تمرکز بر مسائل مهم‌تر اقتصادی و اجتماعی، ظرفیت‌های توسعه نیز تحت فشار قرار می‌گیرد و بخشی از بدنه جامعه از حاکمیت فاصله می‌گیرد. افزون بر این، وجود شکاف‌های دایمی، دستاویزی برای رقیب و قدرت‌های خارجی فراهم می‌کند تا از فضای ناآرام بهره‌برداری کنند و پروژه‌های تخریبی خود را پیش ببرند. برون‌رفت از این معضل، نه‌از مسیر رادیکالیسم متقابل بلکه از راه تقویت رویکرد تعاملی، شفاف‌سازی در سیاست‌ها و احترام به خرد جمعی امکان‌پذیر است. به‌بیان دیگر، اگرچه تصمیمات شورای عالی امنیت ملی برای فروکاستن تنش، اقدامی سنخیده به نظر می‌رسد، اما باید ساز و کارهای اجرایی و نظارتی قاطع‌تری نیز در برابر قانون‌گریزی برخی افراد یا گروه‌ها تعریف شود. تنها در سایه افزایش هزینه بحران‌سازی و شفاف‌سازی اهداف و سیاست‌هاست که می‌توان از بازتولید مستمر بحران جلوگیری کرد و مانع شد که حیات سیاسی تندروها بر مدار التهاب بچرخد. در واقع تا وقتی رفتارهای پرخطر این گروه‌ها برای شان هزینه‌ای ندارد و ترسی از برخورد نهادهای قانونی نداشته باشند، به پیگیری اهداف سیاسی‌شان در قالب ادعای دفاع از ارزش‌ها ادامه می‌دهند و به‌صورت تصاعدی در پی افزایش سطح تنش در جامعه خواهند بود. در نهایت، هیچ چشم‌انداز روشن و پایداری در سایه تنش‌های بی‌وقفه شکل نخواهد گرفت و تنها مسیر توجه به منافع واقعی جامعه، پذیرش مصلحت، درک اهمیت مفهوم زمان و شناخت پویایی‌های اجتماعی است که می‌توان از چرخه بحران‌زی عبور و همبستگی سیاسی و اجتماعی را پررنگ کرد.